

مراتب تسبیح و آثار آن در موجودات

زهرآ تمین*

چکیده

تسبیح به معنای منزّه دانستن خداوند از هر نوع عیب و نقص یکی از موضوعاتی که در قرآن کریم بدان پرداخته شده است و به تمامی موجودات جهان اعم از ذی‌شعور و غیر ذی‌شعور نسبت داده شده است و فقط مخصوص به انسان نیست. شارحان، مفسران و محدثان هریک براساس مبانی و مشارب خود، به تبیین تسبیح موجودات غیرذی‌شعور پرداخته‌اند و نظرات متفاوتی دربارهٔ قالی بودن و یا حالی بودن تسبیح آنان بیان نموده‌اند. با توجه به اهمیت تسبیح در رابطه میان مخلوق و خالق و آثاری که تسبیح موجودات در آنها دارد، نوشتار حاضر به روش توصیفی تحلیلی ابتدا به تبیین اقسام تسبیح پرداخته و سپس با بیان نظرات مفسران قرآنی دو نظریه مجازی دانستن تسبیح موجودات غیرذی‌شعور و حقیقی بودن تسبیح آنها را بررسی و نقد می‌نماید تا به نظریه درست دست یابد. در نهایت با بیان ثمرهٔ تسبیح، مراتب و آثار تسبیح را در موجودات مورد ارزیابی قرار داده شده است. نتیجهٔ سخن آنکه بعد از بیان دلایل نقلی و عقلی در اثبات ادراک داشتن تمامی موجودات و برخورداری آنها از نوعی شعور و آگاهی نسبت به مراتب هستی بدین مطلب دست یافته است که تمامی موجودات اعم از ذی‌شعور و غیرذی‌شعور بر طبق ادراک و بهره‌مندی خود از هستی به تسبیح و تنزیه خالق خود می‌پردازند که البته انسان به دلیل بهره‌مندی از والاترین مقام و بیشترین بهره از ادراک هستی از بالاترین درجه تسبیح برخوردار است که ثمرهٔ آن دارا بودن بالاترین مرتبه ارتباط با خالق و رسیدن به قرب الهی می‌باشد.

واژگان کلیدی: تسبیح، اقسام تسبیح، شعور، مراتب، کمال.

* طلبه سطح ۲ حوزه کریمه اهل بیت (ع)

تسبیح همگانی مخلوقات اعم از ذوی العقول و غیر آن از مسائل مهم و مورد تأکید آیات و روایات است. از آنجا که این مسئله نتایج و ثمرات زیادی در مباحث دینی و فلسفی دارد، بسیاری از اندیشمندان و مفسران اسلامی به آن پرداخته و دیدگاه خویش را در جهت اثبات و نفی آن بیان کرده‌اند.

انسان بی خبر از دنیای اطراف خویش می‌پندارد تنها اوست که خدا و خالق خویش را می‌شناسد و هرگاه اراده کند، می‌تواند خدایش را تسبیح و تحمید گوید؛ غافل از آنکه حمد و تسبیح مخصوص انسان نیست و سایر موجودات و پدیده‌ها در حال ستایش و تسبیح اختیاری خداوند هستند؛ چرا که عالم محض حاجت و نیاز به خداوند است و تمام موجودات از آن جهت که وجود دارند، شعور و قدرت و علم دارند و بر همین اساس نیز به تسبیح و تقدیس خدا می‌پردازند؛ هر چند که آدمی متوجه تسبیح و تقدیس آنان نشود.

سیر و سلوک و طلب کمال فقط مخصوص انسان نیست؛ بلکه موجودات و مخلوقات آسمانی یا زمینی، همه و همه در مسیر سیر و سلوک و کمال طلبی هستند و همه آن‌ها به مطلوب و مقصود توجه دارند و طالب معرفت و عبادت حضرت حق می‌باشند.^۲

محققین در این زمینه به بررسی‌ها و تحقیقاتی پرداخته‌اند که اغلب آنان در قالب مقالات به تبیین تسبیح موجودات و اقسام تسبیح و ارتباط تسبیح موجودات با علم و شعور آنان می‌باشد. به عنوان مثال، در مقاله «اثبات عقلی و نقلی حیات، علم و تسبیح نطقی موجودات در تمام مراتب هستی با تأکید بر مرتبه ناسوت» نگارندگان آقایان ابوالفضل فیروزی، رضا الاهی‌منش و سعید رحیمیان بر مبنای معارف و آموزه‌های قرآن، احادیث، ادعیه و نیز ادله عقلی، برهانی و عرفانی بیان می‌دارند که همه هستی و مراتب آن از جمله مراتب ناسوتی به قدر استعداد و تعین وجودی خود از حیات، علم و اراده برخوردارند بنابراین علاوه بر تسبیح به زبان استعداد و حال، به صورت قالی نیز تسبیح‌گوی خدای متعالی هستند. همچنین دکتر مهدی آریانفر و خانم حمیده بهلولی اسکوئی در پایان-نامه بررسی تطبیقی تسبیح موجودات از منظر تفاسیر عرفانی و روایی، نظرات مفسرین عرفانی و روایی را درباره نحوه تسبیح موجودات بررسی نموده‌اند. همچنین خانم‌ها هنگامه بیادار و فاطمه ابوالحسنی در مقاله «تسبیح موجودات غیرذی‌شعور در قرآن» به تقارن تسبیح و تحمید در آیات مختلف قرآن پرداخته و دیدگاه‌های مختلف در رابطه با تسبیح موجودات غیرذی‌شعور را بررسی نموده‌اند. اما آنچه که این نوشتار سعی در بررسی آن داشته است، مراتب تسبیح موجودات و آثار آن برای ایشان است. بدین منظور بعد از بیان مفهوم و کاربرد تسبیح نظرات

۲. آملی، تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب العزیز، ج ۳، ص ۱۴۵ و ۱۴۷.

مفسرین و اندیشمندان را در رابطه با تسبیح موجودات غیرذی‌شعور را بررسی نموده و به بررسی و نقد آنها می‌پردازد و به وسیله دلایل قرآنی، روایی و عقلی، حقیقی بودن تسبیح موجودات غیرذی‌شعور را اثبات می‌نماید. سپس بعد از اثبات ادراک داشتن تمام موجودات، به ثمره و راز تسبیح می‌پردازد و بدینوسیله مراتب تسبیح در موجودات را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱- مفهوم تسبیح از نظر لغوی و اصطلاحی

تسبیح در لغت از ریشه «س ب ح» و سبّح به معنی گذر و حرکت سریع در آب و یا هوا است.^۳ این کلمه برای عبور ستارگان در فلک "کل فی فلک یُسَبِّحون"^۴ و نیز برای دویدن "فالسّابحات سبّحا"^۵ و برای رفتن سریع به دنبال کاری "إنّ لک فی النّهار سبّحاً طویلاً"^۶ به استعاره گرفته شده است.

اصل تسبیح نیز مرور سریع در عبادت است، اعم از اینکه عبادت، قول یا فعل یا نیت (اعتقاد) باشد.^۷ و همچنین به معنای تنزیه خداوند از هرگونه عیب و نقص است.^۸

بعضی از علما در مورد تسبیح چنین می‌فرمایند که تسبیح پاک شمردن خداوند است از هر بدی و آنچه در خور شأن او نیست و سبّوح به معنای سزاوار تنزیه و تعظیم و سبحان اسم مصدر آن می‌باشد. سیبویه گفته است: معنی سبحان الله پاک شمردن خدا است از هرگونه زشتی و منزّه دانستن خدا.^۹

بعضی از علما ریشه تسبیح را اصل واحدی می‌دانند که همان حرکت در مسیر حق بدون هیچ انحراف و نقطه ضعفی است، و با این تعریف تسبیح را از دیگر اصطلاحات همچون تقدیس و تنزیه جدا می‌کنند و با این تعریف و لحاظ کردن دو جهت، یکی جهت حرکت در مسیر حق و دیگری دوری از ضعف و کمبود، این تفاوت آشکاری می‌گردد.^{۱۰}

تسبیح خداوند و تسبیح اسم وی در قرآن به ملائکه، پیامبران، حیوانات (پرندگان)، مؤمنان و تمام موجودات نسبت داده شده است.

۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۷۴.

۴. انبیاء: ۳۳.

۵. نازعات: ۳.

۶. مزمل: ۷.

۷. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۹۲، ماده «سبّح».

۸. مصطفوی، التحقیق، ج ۵، ص ۱۹-۲۲، ماده «سبّح».

۹. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۶۶.

۱۰. مصطفوی، التحقیق، ج ۵، ص ۱۵.

۲- کاربرد مفهومی تسبیح در قرآن

در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که به بحث تسبیح موجودات می‌پردازد. واژه تسبیح و مشتقات آن ۹۲ بار در ۸۸ آیه از ۴۹ سوره قرآن به شکل مصدر، اسم، ماضی، مضارع، امر و اشکال گوناگون صرفی آمده و در همان مفاهیم لغوی و برخی مفاهیم دینی و شرعی مانند صلوة به کار گرفته شده است. در یک تقسیم بندی کلی این آیات را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف) مواردی که ماده‌ی تسبیح به شکل مصدر و اسم به کار برده شده غالباً خدای متعال را یا از آنچه که او را وصف کنند یا از نقص و آرایش و یا داشتن فرزند یا شریک قرار دادن پاک و منزّه دانسته است و یا خواسته شده به مدح قدرت و توانایی های خدا بپردازد. مانند آیه ۹۱ سوره مؤمنون: «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهِ إِذَا أَذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهِ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» «خدا هرگز فرزندی اتخاذ نکرده و هرگز خدایی با او شریک نبوده، که اگر شریکی بود در این صورت هر خدایی مخلوق خود را به سویی بردی (و نظم وحدانی عالم از هم گسیختی) و بعضی از خدایان بر بعضی دیگر علو و برتری جستی! خدا از آنچه مشرکان گویند پاک و منزّه است.»

ب) در مواردی که این ماده به شکل امر آمده است نیز غالباً امر به تسبیح پیامبر (ص) در صبح و شام شده است. مانند آیه ۵۵ سوره غافر: «قَاصِرٍ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَاسْتَغْفِرُ لِدُنْيِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْأَبْكَرِ» «پس (ای رسول ما، بر آزار امت) صبر کن که البته وعده (ثواب و عقاب) خدا حق است و بر گناه خود از خدا آمرزش طلب کن (یعنی بر گناه امت نادان از درگاه خدا آمرزش خواه) و صبح و شام به تسبیح و ذکر و ستایش پروردگار خود پرداز.»

ج) اما در موارد دیگری ماده «سبح» به صورت افعالی آمده است که حکایت از تسبیح تمام موجودات هستی دارد و تسبیح خداوند را علاوه بر ذوی العقول (ملائکه، انسان، جن) به سایر موجودات و اشیاء عالم، از جمله کوه ها و مرغان و رعد نیز تسری داده است. مانند آیه ۱۳ سوره ی رعد: «وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ» «و رعد (و برق و همه قوای عالم غیب و شهود) و جمیع فرشتگان همه از بیم (قهر) خدا به تسبیح و ستایش او مشغولند.»

۱۱. محقق، اسماء و صفات الهی، ج ۱، ص ۶۴۷.

۱۲. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۲۱۶؛ دامغانی، الوجوه و النظائر، ج ۱، ص ۴۴۶.

در این آیات قرآن مجید صراحت دارد که همه موجودات عالم خدا را تسبیح می‌کنند و حمد می‌گویند و این نکته ای حائز اهمیت است که نشان می‌دهد در تمام عالم خلقت شعور، درک و نوعی علم وجود دارد.

این بخش از آیات که به تصریح از تسبیح موجودات عالم سخن به میان آورده است، سبب ارائه‌ی نظرات مختلف از سوی عارفان، فیلسوفان، متکلمان، مفسران و محدثان گردیده است و هریک از آنان براساس مبانی و مشارب خاص خود، در تبیین این موضوع کوشیده‌اند.

۳- رویکردها و نظریات اندیشمندان اسلامی در باب تسبیح موجودات

با مراجعه به آثار اندیشمندان مسلمان دریافت می‌شود که اکثر متفکران اسلامی براساس رویکردهای خاص خود به شرح و تبیین چگونگی تسبیح عام موجودات پرداخته‌اند و هریک از آنها تسبیح موجودات را از نوعی دانسته‌اند. برای بررسی اقوال مختلف در رابطه با انواع تسبیح، ابتدا با دقت و توجه در مضامین آیات و روایات و منابع اصیل اندیشمندان اسلامی، به بیان اقسام تسبیح می‌پردازیم.

۱- تسبیح تکوینی: تمام موجودات عالم در مقابل خداوند، مطیع و مقهور قدرت او هستند و تسبیح آنها از این جهت بدان معناست که همه‌ی موجودات از آن روزی که از نیستی به هستی آمده‌اند، ذاتاً بر وجود قدرتی مافوق قدرت خود، که آنان را به وجود آورده دلالت می‌کنند و از تمام ذرات وجود خود این نغمه را سر می‌دهند که: آن کس که آفریدگار آنان است، دارای نقایصی که خود دارند، نیست و از کاستی‌ها مبرا و پاکیزه است و گرنه نیاز به آفریدگار دیگری خواهد داشت و نمی‌تواند پروردگار این جهان با همه آنچه که داراست، باشد. بنابراین همه‌ی موجودات عالم با زبان متناسب و سعتِ وجودی خود، در حال تسبیح پروردگار هستند!

این قسم خود انواع و مراتبی دارد که عبارتند از:

الف) تسبیح استعدادی؛ یعنی هرچیزی برحسب تعیین و سعه وجودی و استعداد خویش، مظهر اسمی از پروردگار خویش است که با اسم یا اسمائی که مظهر آن است، مسبح آفریدگار خویش است.^{۱۳}

۱۳. رستگار جویباری، تفسیر البصائر، ج ۵۴، ص ۵۸۷.

۱۴. کاشانی، شرح فصوص الحکم، فصل هودیه، ج ۲، ص ۱۲.

طبقه‌بندی موجودات در مراتب تسبیح براساس استنباطات و نظریه‌های فلسفی مختلف به وجود آمده است. در این طبقه‌بندی، موجودات از سطوح پائین‌تری مانند جمادات و گیاهان، به سطوح بالاتری مانند حیوانات و اجنه و انسان و سپس به موجودات روحانی و مجردات مانند فرشتگان تقسیم می‌شوند.

با وجود تنوع و تعداد زیاد موجودات در جهان، این مراتب برای انسان‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. انسان به واسطه تعقل و هوشی که برایش آفریده شده است، قدرت اختیار و اراده دارد. طبق آیات شریفه قرآن خداوند انسان را آفرید تا او را حمد و ستایش کند و در آفریدن وی حکمتی وجود داشته که همان حبّ انسان و رسیدن به مقام قرب و کمال می‌باشد. انسان باید بداند برای چه آفریده شده و چه وظایفی بر عهده‌اش است. انسان در هنگام تسبیح که نزدیک‌ترین حالت به خداوند است، باید به نقص و ضعف‌های خود پی ببرد، خداوند را تنزیه نماید و مقام قرب الهی را کسب نماید. حقیقت رکوع و سجود و تسبیحات خضوع در برابر پروردگار و پذیرش نقص‌ها و نیاز و فقر به درگاهش است، منزله دانستن پروردگار از داشتن شریک و بیزاری جستن از غیر اوست. مداومت بر تنزیه خداوند از هرگونه عیب و نقص و یاد کردنش و ثنا و حمد او، سبب می‌شود انسان انس قلبی به خداوند پیدا کند و بیشتر به وی علاقمند گردد. هنگامی که انس به زیبایی و جمال فعل خداوند و نزاهت او زیاد شد، رفته رفته این انس در قلب رسوخ می‌یابد و آن‌گاه آثارش در نظر نفس هویدا گشته و خطورهایی که مایه تشویش در درک و فکر است از نفس زایل می‌گردد و چون حقیقت نفس این است که به آنچه دوست دارد، راضی و خشنود می‌باشد. ^{۴۷} لذا این تسبیح و تحمید موجب راضی شدن به قضای الهی نیز می‌گردد و در این هنگام رضای به قضای الهی لطف و عنایات الهی را شامل حال وی می‌گرداند و او با تمام وجود حس می‌کند به خدایش نزدیک‌تر شده است و کسی را غیر او دوست ندارد و هدفش رسیدن به قرب اوست و نتیجه این قرب کمال است.^{۴۸}

و این است که در مرتبه تسبیح انسان را از سایر موجودات برتر می‌نماید، چرا که انسان بیشترین بهره و حظ را از هستی برده است، بنابراین می‌تواند به بالاترین درجه کمال دست یابد و به مقام قرب الهی نائل شود.

۶- ثمره و راز تسبیح

به نظر می‌رسد که ثمره تسبیح وصول به قرب الهی و عرفان کامل از طریق توجه مداوم به تنزیه خداوند و ندیدن خود به عنوان موجودی مؤثر و مستقل باشد که لازمه موجودیت ناقص ربطی و نیازمند هر مخلوقی است و ترک آن موجب قطع روزی و خسران در دنیا و آخرت و هلاکت می‌شود.^{۴۹} مضمون برخی روایات مؤید این مطلب

۴۷. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۲.

۴۸. آریانفر و بهلولی اسکویی، «بررسی تطبیقی تسبیح موجودات از منظر تفاسیر عرفانی و روایی، ص ۳۱.

۴۹. بررسی تطبیقی تسبیح موجودات از منظر تفاسیر عرفانی و روایی، ص ۲۸.

است؛ مانند روایتی از امام صادق (ع) که فرمودند: «هیچ پرنده‌ای در صحرا و دریا صید نمی‌شود و هیچ حیوان وحشی در دام نمی‌افتد مگر به خاطر کوتاهی در تسبیح و حمد پروردگار». همچنین از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: «حضرت نوح به هنگامی که مرگش فرارسید به دو فرزندش گفت: شما را به حمد و تسبیح پروردگار امر می‌کنم، زیرا نماز (دعای) هر چیز است و بوسیله آن روزی داده می‌شود.» و باز از ایشان نقل شده است که فرمودند: «اجل و سرآمد عمر همه چارپایان و حشرات، زمین، مورچه‌ها، کک‌ها و ملخ‌ها، اسبان و قاطران، و سایر جنبندگان در تسبیح خداوند است، که اگر آن را قطع کنند، خدا جانشان را می‌گیرد و این کار ربطی به ملک‌الموت ندارد.»^{۵۰}

راز تسبیح موجودات در دوره‌های متأخر عرفانی به صورت دقیق‌تری تبیین شده است. برای نمونه قیصری در شرح فصوص می‌گوید: «راز حیات موجودات همان هویت الهیه ساریه‌ایست که در همه اشیاء با ظهورش در نفس رحمانی اولاً و سپس به واسطه او در همه هستی حاصل شده است.»^{۵۱} بر این اساس سریان وجود و هویت الهی به واسطه نفس رحمانی در همه اشیاء راز تسبیح موجودات دانسته شده است.

همچنین کاشانی می‌نویسد: «اهل عرفان تسبیح را به معنای علم جمیع موجودات به مظهریت و تأخیر وجودیشان دانسته‌اند که دلالت بر قصور استعداد و نقص ذاتی و در ظلمت بودن آنها می‌کند، پس هر موجودی به زبان مرتبه‌اش خداوند را که از همه نقایص و تعینات منزّه است، می‌ستاند.»^{۵۲}

همه هستی دانسته یا ندانسته به سوی مبدأ اول و خیر اعلی سالکند، برخی از محققان در بیان این رویکرد آورده‌اند که خداوند برای هر موجودی از موجودات عقلی و نفسی، حسی و طبعی و کمالی نهاده است و در ذات آن عشق و شوقی نهاده شده که به وسیله آن سیر به کمال وجودی خود کنند. عشق مجرد از شوق، ویژه مجردات عقلی است ولیکن سایر موجودات که دارای نقص وجودی‌اند و در معرض قوت و استعداد، دارای عشق و شوق ارادی و طبیعی هستند و برحسب درجات وجودی خود به سوی کمالات وجودی، درجه به درجه و سرانجام به سوی کمال مطلق سیر می‌کنند.^{۵۳}

۵۰. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۴.

۵۱. کاشانی، شرح فصوص الحکم، ص ۹۸۹.

۵۲. کاشانی، شرح فصوص الحکم، ص ۳۴۵.

۵۳. سجادی، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، ص ۳۳۱.

تسبیح به اعتبار دیگری نیز می‌تواند صادق باشد. به این بیان که هر موجودی و هر ذره‌ای از ذرات عالم به زبان احتیاج و استعداد خود، اسمی از اسمای حق را به مناسبت وجه اضطرارش می‌خواند و خداوند استجاب می‌فرماید.^{۵۴}

صدرالمآلهین نیز با طرح مبنای مساوقت وجود با علم و حیات، به این دیدگاه نائل آمده است که تمام هستی به مراتب مختلف خود دارای حیات و ادراکند. به بیان تفصیلی‌تر از آنجا که وجود مساوق کمال است، پس هر موجودی بهره‌مند از صفات کمالی خواهد بود که حیات و علم از جمله آنهاست. بین این صفات کمالی، وحدت مصداقی وجود دارد و شدت و ضعف این صفات به مرتبه هر موجود وابسته است. بنابراین هر یک از موجودات به میزان حظ وجودی خود، از آن بهره‌ای دارند. و از آنجا که وجود یک حقیقت ذومراتب است و مراتب مادون عین وابستگی به اشد مراتب هستند، پس به میزان قرب به آن حقیقت از مرتبه بالاتری از آن صفات برخوردارند، به همین جهت تمام هستی حتی جمادات و اجسام، برخوردار از علم و حیاتی است که فقر وجودی خود را در مقابل غنای واجب می‌یابد و این حقیقت و راز تسبیح موجودات است.^{۵۵}

بنابراین در واقع ثمره تسبیح رسیدن به ذات اقدس الهی و نزدیک شدن به باری تعالی و یاد کردن دائمی اوست که هدف از آفرینش نیز همین می‌باشد و اگر موجودات چنین نمایند عذاب و عقوبت الهی را در پی دارد. البته ثمره تسبیح بنابر حظ و بهره‌ای که موجودات از وجود برده‌اند به مراتب متغیر است و اعلی درجه آن متعلق انسان است.

نتیجه

با توجه به آنچه در آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (ع) آمده است و با توجه به براهین عقلی، تمامی موجودات به صورت حقیقی تسبیح خدای تعالی را می‌گویند.

تسبیح تمامی موجودات عالم حتی آنان که زبانی ندارند به بیان قال و نطقی می‌باشد اما هریک طبق شعور و درک خود از خدای محبوب خود و به زبان ملکوتیشان او را با تمام وجود می‌ستایند بلکه این‌گونه است اسرار آفرینش خلقت هست. تمامی ذرات هستی تسبیح‌گوی خدای یگانه هستند البته هریک به گونه‌ای، ولی همه کس نمی‌تواند آن را بشنود.

۵۴. شبر، حق الیقین فی معرفه اصول الدین، ص ۸۱.

۵۵. المبدأ و المعاد، ص ۱۴۲.

۵۶. کریمی، بازاندیشی در تقریرهای مختلف راز تسبیح کائنات، ص ۲۶۶.

آثار و نتایج تسبیح در موجودات اعمّ از ذی‌شعور و غیرذی‌شعور، بنابر شعور و آگاهی هریک از موجودات، این است که آنها را به سوی کمال خاصّ خود رهنمون می‌نماید؛ اما انسان به عنوان یک موجود والا بر روی زمین که از میزان شعور و آگاهی بالا و تعقل و اختیار برخوردار است از والاترین سطح کمال بهره خواهد برد و صحیح نیست هنگامی که سایر موجودات با درک اندک خود و طبق ظرفیت وجودی‌شان صبح و شام تسبیح‌گوی آفریدگارشان هستند، انسان از یاد او غافل باشد و نتواند مسیر قرب الهی و کمال را طی نماید. انسان باید به مهم‌ترین آثار تسبیح حقیقی نفوس انسانی، یعنی دریافت بیشترین حظّ و بهره از کمال خود و حرکت به سوی مبدأ خود با شوق و اراده دست یابد. انسان با توجه به توانایی بهره‌مندی از بالاترین درجه علم و معرفت نسبت به خالق خویش با تسبیح قادر است فقر و نقص وجودی خویش را دریابد و باتکیه بر مبدأ هستی اکمل‌ترین فیض الهی را دریافت نماید.

منابع

قرآن مجید

۱. آریانفر، مهدی و بهلولی اسکویی، حمیده، پایان نامه بررسی تطبیقی تسبیح موجودات از منظر تفاسیر عرفانی و روایی، دانشکده علوم قرآنی زابل، ۱۴۰۱ ش.
۲. آملی، سید حیدر، تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب العزیز، محقق: موسوی تبریزی، ۷ جلد، قم، انتشارات نور علی نور، ۱۴۲۲ ق.
۳. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه: خداپرست، حسین، تهران: انتشارات نوید اسلام.
۴. دامغانی، حسین بن محمد، وجوه و نظایر، به کوشش ابوالعزم زفیتی، قاهره، وزارت اوقاف، ۱۴۱۲ ق.
۶. رستگار جویباری، یعسوب الدین، تفسیر البصائر، ۵۹ جلد، قم، المطبعة الاسلامیة، ۱۳۹۹ ق.
۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۴ جلد، دارالکتاب العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۰۷ ه.ق.
۸. سبحانی تبریزی، جعفر، منشور جاوید، ۱۴ جلد، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳ ش.
۹. سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، ۸ جلد، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. شبر، سید عبدالله، حق الیقین فی معرفة اصول الدین، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۸ ق.
۱۲. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، محقق: صبحی سالم، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة، مترجم: محمد خواجهی، جلد، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن، مصحح: خواجهی، محمد، قم: انتشارات بیدار، ۱۳۶۱ ش.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، المبدأ و المعاد، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴ ش.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، قم: بوستان کتاب، ۱۳۶۸ ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه: نوری همدانی، حسین و گروهی از مترجمین، تهران: انتشارات فراهانی.
۱۸. فخر رازی، التفسیر الکبیر، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. قیصری، داود، شرح فصوص الحکم، به کوشش آشتیانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین، مصحح: ابوالحسن شعرانی، ۶ جلد، تهران، انتشارات الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۲۱. کاشانی، عبدالرزاق، شرح فصوص الحکم (کاشانی)، قم: انتشارات بیدار، ۱۳۷۰ ش.
۲۲. محقق، محمدباقر، اسماء و صفات الهی در قرآن، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. مصطفوی، حسن، التحقیق، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ ش.
۲۴. موسوی خمینی، سید روح الله، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۶ ش.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله، آداب الصلوة، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۸ ش.